

بسمه تعالی

نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران به مثابه‌ی الگو برای سایر نهضت‌ها م. حیدری

چکیده

آنچه در این تحقیق مورد نظر ماست، بررسی نقش مساجد در تحولات انقلاب اسلامی در طول سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۵ و بازتاب انقلاب اسلامی در منطقه است. در این تحقیق، نگارنده برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و بر حسب مورد از ابزارهایی چون فیش و جدول استفاده کرده است. پژوهش حاضر در دو مقدمه و دو بخش بیان شده است: نخست، شمه‌ای از نقش مساجد در صدر اسلام بیان می‌شود و سپس درباره‌ی نقش مسجد در انقلاب اسلامی سخن گفته می‌شود. در پیروزی انقلاب اسلامی عوامل چندی دخیل بوده‌اند؛ از جمله دانشگاه، حوزه، مدرسه، بازار و مسجد که البته نقش محوری تری داشته است. در بخش دوم به بازتاب انقلاب اسلامی در منطقه و همچنین تأثیر آن در ابعاد مختلف پرداخته می‌شود. در این راستا، بیانات مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: انقلاب ایران، مسجد، پایگاه انقلاب، روحانیان، امام خمینی، جنبش‌های اسلامی، بازتاب انقلاب.

بخش اول

نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

در صدر اسلام حرکت‌ها از مسجد آغاز و در مسجد سازماندهی می‌شد؛ نیروها از مسجد بسیج و مشکلات جامعه‌ی اسلامی در مسجد حل و فصل می‌شد.^۱ همان‌طور که امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) می‌فرماید: «مساجد باید مرکز سیاست باشد؛ همان‌طور که صدر اسلام مرکز سیاست بود... همیشه مساجد مرکز بسیج قشون بوده، مرکز تبلیغات اسلام بوده است».^۲ این نقش هم در روزگاران پیشین مهم بود که وسایل گسترده‌ی ارتباط جمعی وجود نداشت، و هم در زمان حاضر و در عصر رسانه‌های گروهی اهمیت دارد. در جریان انقلاب اسلامی، مردم ایران به اخباری که از مساجد پخش می‌شد به مراتب بیشتر از صداوسیما اعتقاد داشتند و اخبار به سرعت از مساجد به همه‌جا راه می‌یافت.^۳ در آن دوران، مسجد به کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل شده بود.^۴ پیوند انقلاب اسلامی با مسجد پیوندی استوار، جاودانه و استراتژیک است که هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آن شود. با الهام از این تفکر بنیادین، ملت مسلمان ایران در جریان انقلاب اسلامی مساجد را به حالت پرتحرک و سرنوشت‌ساز دوران اسلام بازگرداندند. روحانیت مبارز، در سنگر محراب و منبر، تفکر سیاسی اسلام را تبیین و در زمینه‌ی فجایع رژیم ستم‌شاهی افشاگری کردند.^۵

لازم است بدانیم نوارهای سخنرانی‌های امام و پیام‌های ایشان با برنامه‌ریزی دقیق، در مساجد، به دست مردم می‌رسید. به همین دلیل، رژیم با مساجد مخالفت کرد و قصد تعطیلی آن‌ها را داشت؛ اما موج حرکت چنان قوی بود که نتوانست آن را از ریشه برکند.^۶ در آن مقطع زمانی، مساجد به مراکز نیرومند پشتیبانی انقلاب و ستاد عملیاتی رهبر انقلاب اسلامی تبدیل شده بودند. تولد جمهوری اسلامی

۱. عباسعلی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، طویی، ۱۳۷۶، ص ۲۱.

۲. صحیفه‌ی امام، ج ۸، ص ۲۰۰.

۳. عباس سعیدی رضوانی، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۴۱.

۴. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، فروغ مسجد، قم، مؤسسه‌ی فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷.

۵. عمید زنجانی، پیشین، ص ۲۲.

۶. غلامرضا گلی زواره، باران بیداری (تأملی در جنبه‌های معنوی، فکری، تاریخی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران)، قم، انتشارات نور السجاد،

۱۳۸۷، ص ۶۵.

ایران با آرای مردم نیز در مسجد صورت گرفت. همه‌پرسی‌ها و انتخابات متعدد و سرنوشت‌سازی نیز در فضای پرنور، باصفا، معنوی و یکدل مساجد انجام گرفت.^۱

طرح مسئله

انقلاب اسلامی، که جرقه‌ی آن در سال ۱۳۴۲ زده شد، با تحمل سختی‌ها و مصائب فراوان، سرانجام در سال ۱۳۵۷، به رهبری امام خمینی به پیروزی رسید. عوامل مختلفی در این پیروزی نقش داشتند که از آن جمله می‌توان به بازار، دانشگاه، هیئت‌ها، مدرسه و حوزه اشاره کرد؛ اما نباید در این میان از نقش سازنده و عبادی و سیاسی مسجد غافل شد که کانونی مهم و سازنده بود. در واقع، انقلاب ما از مساجد آغاز شد. مساجد چه در شهرهای بزرگ مثل تهران، تبریز، شیراز و چه در شهرهای کوچک مثل قم، رامسر، کنگاور، بهشهر، ایلام و ... محور اصلی انقلاب بودند و امروز شاهد بازتاب این انقلاب در جهان هستیم.

گریزی به وقایع سال ۱۳۴۲

فاجعه‌ی خونین فیضیه

در سال ۴۲، به مناسبت سالروز شهادت امام صادق (علیه‌السلام)، در مدرسه‌ی فیضیه مراسم سوگواری بر پا شد. هنگام سخنرانی، صلوات‌های ناب‌جای مزدوران رژیم شاه باعث قطع سخنرانی و آغاز درگیری شد. مأموران امنیتی که بیرون مدرسه بودند، وارد میدان نبرد شدند و با سلاح گرم و سرد به مردم و طلبه‌ی بی‌دفاع حمله کردند. آن‌ها عده‌ی زیادی را کشتند و کتاب‌ها و وسایل شخصی‌شان را آتش زدند. فاجعه‌ی مدرسه‌ی فیضیه، که در آن انبوه مردم حضور داشتند، بی‌درنگ در سراسر ایران منتشر شد. پس از این اتفاق، امام خمینی «تقیّه» را حرام اعلام کردند، توطئه‌ی سکوت مقابل اعمال رژیم شاه را از دست آن‌ها گرفتند، مبارزه را وارد مرحله‌ی جدیدی کردند و اظهار حقایق را هر چند با زندان و شهادت همراه بود واجب دانستند.^۲ در ادامه، مراسم چهلم شهدای فاجعه‌ی مدرسه‌ی فیضیه برای رژیم

۱. عمید زنجانی، پیشین، ص ۲۲.

۲. بی‌نا، تاریخ سیاسی معاصر ایران، بی‌جا، زمزمه‌ی هدایت، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷.

تحمل‌ناپذیر بود و به مراسم دیگری حمله کرد که آیت‌الله حکیم، به همین مناسبت، در مسجد ارگ تهران برگزار کرد.^۱

راهپیمایی عاشورای ۱۳۴۲ (۱۳ خرداد ۱۳۴۲)

راهپیمایی عاشورا برای نشان‌دادن حضور مردم و اعلام موضع بر ضد سیاست‌های دولت بود. مقدمات کار را جمعیت مؤتلفه، با همکاری تعدادی از هیئت‌های عزادار، فراهم کردند. طبق برنامه قرار شد جمعیت مؤتلفه مردم را با اعلامیه و اطلاع‌رسانی به دیگر هیئت‌ها به تجمع در مسجد حاج ابوالفتح دعوت کند. با توجه به تجربه‌های گذشته، معمولاً رژیم یا به‌طور مستقیم جلوی برگزاری برنامه را می‌گرفت یا عده‌ای از اراذل و اوباش را می‌فرستاد تا آن‌ها برنامه را به هم بزنند.^۲ در ساعت ۹ صبح روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، راهپیمایی با شرکت قشرها و افرادی از گروه‌های سیاسی مختلف، از مسجد حاج ابوالفتح - واقع در میدان قیام (میدان شاه سابق) - به طرف میدان بهارستان و مجلس شورای ملی، شروع شد. در ادامه نیز بر انبوه جمعیت افزوده شد؛ به گونه‌ای که شرکت چنین جمعیتی تا آن زمان بی‌سابقه بود.^۳

در عصر آن روز، امام خمینی با همراهی تعدادی از مردم وارد مدرسه‌ی فیضیه شدند و بیانات مهمی ایراد کردند که در تاریخ انقلاب اسلامی شهرت دارد.^۴ ارتباط بین مردم، عاشورا، مسجد و انقلاب اسلامی را می‌توانیم در گزارش‌های ساواک هم می‌بینیم؛ برای مثال کمیته‌ی مشترک ضد خرابکاری در گزارشی به ریاست پلیس تهران می‌نویسد:

از فعالیت مساجد هدایت، الجواد و حسینی‌ی ارشاد، که اقدامات آن‌ها مخالف مصالح کشور بود، جلوگیری به عمل آمد تا با مذاکره با مسئولین مساجد و حسینی‌ی مزبور اقدامات آنان در آینده با مصالح کشور هماهنگی داشته باشد. علی‌هذا نظر به اینکه توافقی‌هایی که با واقفین و هیئت مؤسس مساجد و حسینی‌ی موصوف به عمل آمده از این به بعد کلیه‌ی مسائل مربوط به این سه مؤسسه‌ی مذهبی زیر نظر مستقیم سازمان اوقاف خواهد بود.^۵

۱. همان، ص ۱۳۹.

۲. جواد منصوری، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۵.

۳. همان، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۴. همان، ص ۱۵۹.

۵. علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، تهران، معارف، ۱۳۷۹، ص ۳۳۳.

دستگیری امام و قیام سراسری ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

پس از انتشار خبر دستگیری امام، بسیاری از مردم ناراحت و عصبانی به منزل ایشان رفتند و حدود ساعت ۶ صبح به اتفاق فرزندشان، حاج آقا مصطفی، به سمت حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) حرکت کردند. پس از مدتی صحن مطهر و خیابانهای اطراف پر از جمعیتی شد که شعار «یا مرگ یا خمینی» را با هیجان و التهابی شدید تکرار می کردند. علما و مراجع طی اعلامیه‌ای، که از بلندگوی صحن مطهر خوانده شد، ضمن محکوم کردن این اقدام، خواستار آزادی فوری امام شدند.^۱ درحقیقت، ۱۵ خرداد به رهبری علما و روحانیان جامعه رخ داد و در رأس آن امام خمینی قرار داشت. انقلاب ایران از ۱۵ خرداد آغاز شد، براساس همان خواسته‌های مردم در ۱۵ خرداد ادامه یافت و سرانجام به پیروزی رسید.^۲ درواقع، ۱۵ خرداد نقطه‌ی عطفی بود در مخالفت امام (رحمة الله علیه) با خودکامگی شاه و قدرت بی حد آمریکا در ایران. ایشان درباره‌ی تصمیم مجلس برای اعطای مصونیت دیپلماتیک به پرسنل نظامی آمریکا چنین گفتند: جرم علمای اسلام و سایر مسلمانان فقط آن است که از قرآن، ناموس اسلام و استقلال مملکت دفاع می کنند و با استعمار مخالف اند.^۳

تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون

در ۴ آبان ۱۳۴۳، امام خمینی به محض اطلاع از تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون^۴ سخنان کوبنده‌ای در مسجد اعظم ایراد کردند. ایشان با لحنی تند خطر نفوذ گسترده‌ی آمریکا در ایران را به همه اعلام کردند و گفتند امروز همه‌ی گرفتاری‌های ایران از آمریکا و اسرائیل است. به همین دلیل، نیروهای امنیتی شاه در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به منزل امام یورش بردند و پس از دستگیری شبانه ایشان را به تهران منتقل کردند. بازداشت امام موجب اعتراض شدید مردم شد؛ در نتیجه ایشان را همان روز به ترکیه تبعید

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. محمدتقی احمدپور، آغاز بیداری (ویژه‌نامه‌ی قیام ۱۵ خرداد)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۲، ص ۸۲.

۳. جان فوران، مقاومت شکننده، احمد تدین، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، ص ۵۴۲.

۴. عباسعلی عمید زنجانی در کتاب انقلاب و ریشه‌های آن می‌گوید: «لایحه‌ی مصونیت مستشاران نظامی آمریکا و خانواده‌های آن‌ها، ابتدا در سال ۴۲ و در زمان نخست‌وزیری اسدالله علم به تصویب رسیده بود و در سال ۱۳۴۲ و در زمان نخست‌وزیری حسنعلی منصور دوباره در مجلس شورای ملی و سنا به تصویب رسید. به موجب این لایحه، مستشاران نظامی آمریکا و تکنسین‌های وابسته و اعضای خانواده و خدمه‌ی آن‌ها، اعم از نظامی و شخصی، از شمول قوانین قضایی ایران معاف شده، با آن‌ها همانند دیپلمات‌ها و اعضای سیاسی سفارت‌خانه‌های خارجی رفتار می‌شد. تصویب این لایحه در مجالس ایران که به معنای قانونی شدن سند اسارت و بندگی ملت و دولت ایران به دست آمریکا بود، مورد اعتراض شدید امام قرار گرفت.»

کردند.^۱ رژیم شاه تصور می‌کرد با تبعید امام به عراق، سرکوب گروه‌های مسلحانه و تبعید و زندانی کردن مردم و جوانان و روحانیان می‌تواند با خیال راحت به دیکتاتوری خود ادامه دهد؛ ولی عده‌ی زیادی از شاگردان و مریدان امام - هر کدام به شیوه‌ای خاص - ارتباطشان را با ایشان ادامه دادند و مبارزه‌ی جدیدی برای سرنگونی رژیم آغاز کردند. آیت‌الله طالقانی، مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی، آیت‌الله مشکینی، آیت‌الله بهشتی، حجة‌الاسلام باهنر، آیت‌الله مطهری و آیت‌الله دکتر مفتاح در حوزه، مسجد، مدرسه و دانشگاه به روشنگری و آگاه‌سازی مردم پرداختند.^۲

جرقه‌های انقلاب در سال ۱۳۵۶

مقاله‌ی احمد رشیدی مطلق

مدنی در کتاب «تاریخ سیاسی ایران» می‌گوید: شهادت مشکوک و ناگهانی حاج سید مصطفی خمینی، فرزند بزرگ امام، در اواخر آبان ۱۳۵۶ بهانه‌ای شد تا در مراسم آن مرحوم یاد امام دوباره بر سر زبان‌ها جاری شود. رژیم شاه که سال‌ها تلاش کرده بود نام ایشان به فراموشی سپرده شود، تحمل چنین وضعی را نداشت؛ به همین دلیل تصمیم گرفت به امام توهین کند. در همین راستا، به مزدوران خود دستور داد در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقاله‌ای در روزنامه‌ی اطلاعات، با نام مستعار احمد رشیدی مطلق، منتشر کنند.^۳ محورهای مقاله عبارت بود از: ۱- تعریف و تمجید از انقلاب سفید؛ ۲- تلاش برای نشان‌دادن پیوندهای تنگاتنگ استعمار سرخ و سیاه؛ ۳- تلاش برای ایجاد اختلاف بین روحانیان؛ ۴- اهانت به امام خمینی.

به دنبال تحصن روحانیان، طلبه‌ها کلاس‌های درس را تعطیل کردند و معترضان خود را به صف‌های به هم فشرده‌ی نماز در مسجد اعظم قم رساندند.^۴ شهادت فرزند امام در آبان ۱۳۵۶ زمینه‌ی مساعدی بود برای پیوند دوباره‌ی ملت و امام. به مناسبت این واقعه‌ی دردناک، مجالس متعددی تا چهل‌م در بیشتر شهرها بر پا شد که مهم‌ترین آن‌ها در مسجد اعظم قم بود.^۵

۱. بی‌نا، تاریخ سیاسی معاصر ایران، بی‌جا، زمزمه‌ی هدایت، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۳. بی‌نا، تاریخ سیاسی معاصر ایران، بی‌جا، زمزمه‌ی هدایت، ۱۳۸۳.

۴. رسول حسن زاده، آذرخش بر تاریکی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۵. سید حسن نور بخش، یادواره‌ی نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.

قیام ۱۹ دی قم

مقاله‌ی روزنامه‌ی اطلاعات واکنش شدیدی در سراسر ایران به دنبال داشت؛ اما در قم نتیجه‌ای فوری داشت.^۱ صبح روز ۱۹ دی ۱۳۵۶، بازاریان و عده‌ای از طلبه دسته‌جمعی به سوی مسجد اعظم حرکت کردند. در حیاط مسجد اعظم، جمعیت اجتماع‌کننده شعارهای اعتراضی علیه رژیم سر دادند. آیت‌الله گلپایگانی، مرعشی و شریعتمداری که در شبستان مسجد اعظم مشغول تدریس بودند، درس خود را نیمه‌تمام گذاشتند و به مردم پیوستند.^۲ بدیهی است وقتی این قیام در قم به وقوع پیوندد و روحانیان شیعه آن را رهبری کنند، شهدا و مجروحان از طلاب علوم دینی باشند. مراسم بزرگداشت آنان در مساجد شهرهای مختلف، با حضور توده‌های عظیم مذهبی، برگزار شد.^۳ حتی عده‌ای دانشجو، در مسجد شهر بابک، علیه رژیم و در مورد واقعه‌ی ۱۹ دی سخنرانی کردند. در این اعتراض‌ها واژه‌های امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، مسجد، روحانیان و شهدای ۱۹ دی قم برجسته بود.

پیامدهای واقعه‌ی ۱۹ دی قم

۱. یکی از پیامدهای این قیام آشکارتر شدن نقش نیروهای مذهبی در حرکت مردم ایران بود.^۴ پارسونز، سفیر انگلیس، می‌گوید: «جناح مذهبی عملاً رهبری جریان‌های مخالف را به دست گرفت و در موعظه‌های خود در مساجد و مراسم مذهبی به‌طور علنی به دولت حمله بردند، آتش احساسات و هیجانات عمومی را دامن می‌زدند».^۵
۲. این قیام جنگی خاموش بین شاه و روحانیت آغاز کرد و بین دولت و مقامات روحانی کشور بحرانی شدید به وجود آورد.^۶
۳. مهم‌ترین پیامد واقعه‌ی ۱۹ دی به وجود آمدن سلسله‌حوادثی بود که چون موج به دنبال یکدیگر آمدند. طبق گزارش‌های ساواک، یک روز بعد از فاجعه‌ی ۱۹ دی قم تا چهل‌م واقعه، در شهرهای مختلف اعتراض‌های بسیاری شکل گرفت.^۷

۱. بی‌نا، تاریخ سیاسی معاصر ایران، بی‌جا، زمزمه‌ی هدایت، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰.

۲. جواد ملایی پور، آذرخش انقلاب (ویژه‌نامه‌ی قیام ۱۹ دی)، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۳، ص ۳۲.

۳. روح الله حسینیان، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲.

۴. همان، ص ۱۵۰.

۵. سرآنتونی پارسونز، غرور و سقوط، ترجمه‌ی منوچهر راستین، بی‌جا، انتشارات سفینه، ۱۳۶۳، ص ۱۰۷.

۶. همان، ص ۱۰۰.

۷. روح الله حسینیان، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳.

جنبش ۲۹ بهمن تبریز

مردم آذربایجان نیز در چهلم شهدای قم شجاعت خود را به اثبات رساندند. در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، که عزای عمومی اعلام شده بود، مردم تبریز روانه‌ی مسجد شدند تا در مجلس ختمی شرکت کنند که به همین مناسبت آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله قاضی برگزار کرده بودند؛ اما پلیس از ورود مردم به مسجد جلوگیری کرد و برای پراکنده کردن آن‌ها تیراندازی کرد و عده‌ی زیادی را به شهادت رساند.^۱

سال ۱۳۵۷، سال سرنوشت

۱. چهلم شهدای ۲۹ بهمن تبریز

در آستانه‌ی فرارسیدن چهلمین روز شهادت عده‌ای از مردم تبریز امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، با صدور پیامی تحلیلی به ملت ایران، خط مشی مبارزه را مشخص کردند. ایشان از مردم خواستند صفوفشان را زیر پرچم عدالت‌پرور اسلام فشرده کنند و با شعار واحد اسلام و قرآن به پیش بروند. همچنین، امام (رحمة‌الله‌علیه) از مردم خواستند در روز چهلم با عزای عمومی خود به ملت‌های آزاد جهان بفهمانند مردم ایران در چه موقعیتی زندگی می‌کنند.^۲ ساواک پیش‌بینی کرده بود مراسم چهلم شهدای تبریز مورد استقبال سرتاسری قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل تصمیم گرفت، برای جلوگیری از اغتشاش، اجتماعات چهلم کشته‌شدگان تبریز در مساجد و اماکن مذهبی را بلامانع اعلام کند. این‌گونه جلوی تظاهرات و اخلا لگری در خیابان و خارج از اماکن مذهبی و بستن مغازه‌ها را می‌گرفت.

همان‌طور که ساواک پیش‌بینی کرده بود، مراسم چهلم با استقبال بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شد. در اصفهان، تربت حیدریه، سمنان، همدان، خرم‌آباد، بهبهان، ساری، سیرجان، گرگان و قم مراسم‌های بزرگی در مساجد مختلف برگزار شد و درگیری‌هایی بین مردم و رژیم نیز پیش آمد. نکته‌ی مهم این است که بیشتر این حرکات از دل مساجد سرچشمه گرفت. در مشهد «کلاس‌های درس طلاب علوم دینی و ۶۵ درصد مغازه‌های شهر به‌عنوان همدردی با مقتولین حوادث تبریز تعطیل گردید. در قم،

۱. بی‌نا، تاریخ سیاسی معاصر ایران، بی‌جا، زمزمه‌ی هدایت، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱.

۲. روح‌الله حسینیان، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳.

مجلس فاتحه‌ای برای مقتولین حوادث شهر تبریز، با حضور آیت‌الله محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی و با شرکت قریب ۱۵ هزار نفر، در مسجد اعظم برگزار شد.^۱

۲. حماسه‌ی مردم یزد در ۱۰ فروردین ۱۳۵۷

روز ۸ فروردین، آیت‌الله صدوقی با صدور اعلامیه‌ای، ضمن تجلیل از مقام شهید، اعلام کرد در روز ۱۰ فروردین، در مسجد روضه‌ی محمدیه (حظیره)، بزرگداشتی برای تجلیل از شهدای قم، تبریز و لبنان برگزار می‌شود. اما در روز ۹ فروردین، بعد از نماز عشا، خود آیت‌الله صدوقی به منبر رفت و به رژیم شاه انتقاد کرد. پس از خاتمه‌ی مجلس حدود ۵۰۰ نفر از افراد شرکت‌کننده به تظاهرات خیابانی پرداختند. پلیس با تظاهرکنندگان درگیر شد؛ در نتیجه تظاهرکنندگان به اماکن دولتی حمله و خساراتی وارد کردند. این درگیری مقدمه‌ای شد تا مردم یزد مصمم‌تر در مراسم شهدای تبریز شرکت کنند. صبح روز ۱۰ فروردین، مردم از گوشه و کنار شهر به سوی مسجد حظیر رفتند. آیت‌الله صدوقی نیز قبل از ساعت ۹ در مسجد حاضر شد. مردم به محض تمام‌شدن مراسم در خیابان‌ها دست به تظاهرات زدند. شهربانی که توان مقابله نداشت از نیروهای ژاندارمری کمک خواست؛ آنان نیز به کمک نیروهای پلیس با مردم درگیر شدند و در نتیجه تعدادی از مردم مؤمن یزد زخمی و شهید شدند.^۲

۳. برگزاری هفتم شهدای یزد

آیت‌الله صدوقی در ۱۳ فروردین، خطاب به مراجع تقلید، نامه‌ای سرگشاده نوشت و حادثه‌ی خونین ۱۰ فروردین را شرح داد. وی در همان نامه اعلام کرد برای شادی روح شهدا مجلس ختم و یادبودی برگزار می‌کنند. به گزارش ساواک، مجلس در وقت مقرر برگزار شد و بدون هیچ حادثه‌ای پایان یافت. روز ۱۶ نیز مجلس ختمی به همین مناسبت در مسجد اعظم قم، با حضور مراجع، برگزار شد.^۳

۴. زنجیره چهل‌ها

بی‌شک مؤثرترین حرکت در تداوم انقلاب پیگیری مجالس بزرگداشت شهدا با محوریت مساجد بود. پس از به خاک و خون کشیده‌شدن قیام مردم قم، اعتراض‌ها و تجمع‌ها در شهرهای مختلف سازمان

۱. همان، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۸۹.

۳. همان، ص ۱۹۲.

یافت. در نتیجه، نیروهای امنیتی و نظامی رژیم تقریباً در همه‌ی شهرها درگیر بودند و مساجد به یکی از فعال‌ترین مراکز سازماندهی و هدایت خیزش‌ها تبدیل شده بود.

تبریز اولین شهری بود که به دلیل برگزاری مراسم چهلم شهدای قم هدف خشونت رژیم قرار گرفت. به دنبال آن شهرهایی چون قم، شیراز، اصفهان، زنجان و تهران به آتشی سوزان برای سران حکومتی تبدیل شدند.^۱

۵. تحریم جشن‌های شعبان سال ۱۳۵۷

امام خمینی برای تداوم مبارزه علیه رژیم شاه از هر فرصتی استفاده می‌کردند. ایشان در ۲۸ رجب (۱۳) تیر) پیامی به ملت ایران صادر کردند و مردم را از جشن و چراغانی در ۳ و ۱۵ شعبان بر حذر داشتند.^۲ تظاهرات نیمه‌ی شعبان نیز چند شهید داد و بار دیگر خون در رگ‌های انقلابی مردم جاری کرد.^۳

۶. رمضان ۱۳۵۷ و صدور منشور انقلاب

ماه رمضان ۵۷ با شور انقلابی آغاز شد. چون مردم روزه‌دار بودند، نمازهای جماعات بعد از افطار برگزار می‌شد و بعد از نماز یکی از وعظ سخنرانی می‌کرد. محور این سخنرانی‌ها انتقاد از شخص شاه، تجلیل از امام خمینی و حکومت اسلامی و جذب نیروهای نظامی بود. بعد از پایان مراسم مردم به شعاردادن یا تظاهرات خیابانی می‌پرداختند.^۴ تاریخ و ماجرای دقیق این مراسم در اسناد انقلاب اسلامی موجود است؛ ولی برای کوتاهی سخن آن‌ها را نام نمی‌بریم.^۵

۷. جمعه‌ی سیاه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

اسناد نشان می‌دهد که سخنرانی‌ها در این ماه اوج گرفت، دستگیری‌ها بسیار زیاد شد و تعدادی از تبعیدی‌ها را جابه‌جا کردند. مجموعه سخنرانی‌های روحانیت در ماه رمضان رژیم را بسیار نگران کرد. در مساجد سخنرانی‌های سیاسی ایراد می‌شد و حتی میعادگاه تظاهرات تعیین می‌شد؛ برای مثال دکتر

۱. رضا شریف پور، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۶۰.

۲. روح الله حسینیان، یک سال مبارزه، ص ۲۵۱.

۳. همان، ص ۲۵۶.

۴. همان، ص ۲۷۰ و ۲۷۱.

۵. همان، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

مفتح در مسجد قبا اعلام کرد، غیر از نماز عید فطر، ۱۶ شهریور نیز تعطیل عمومی است. در برخی از شهرها تعدادی از مردم در درگیری با حکومت شهید شدند. برای احترام به این شهدا اعلام کردند ۱۶ شهریور در تهران تعطیل عمومی است.^۱ عده‌ای از مردم در راهپیمایی بزرگ ۱۶ شهریور فریاد می‌زدند: «فردا صبح در میدان ژاله».^۲

یکی از بزرگ‌ترین فجایع تاریخ در میدان شهدای تهران (ژاله‌ی سابق) روی داد و هزاران نفر به خون غلطیدند. تظاهرات چند میلیونی و گسترده‌ی مردم تهران در روزهای پس از عید فطر آن‌ها را امیدوار کرد که قوای انتظامی قصد تهاجم به راهپیمایی‌های آرام را ندارند. در روز جمعه ۱۷ شهریور، معترضان از صبح زود به حرکت درآمدند. ساعت ۶ صبح برقراری حکومت نظامی در تهران و دوازده شهر بزرگ دیگر اعلام شد؛ اما ده‌ها هزار نفر از مردم مجاهد شرق تهران از صبح زود به سوی میعادگاه سرازیر شدند. در کمتر از دو ساعت همه‌ی خیابان ژاله، تا پشت بهارستان، از جمعیت پرشد. اعلام حکومت نظامی فرمان جنگی علیه توده‌های مردم بود. جمعه‌ی سیاه و کشتار دسته‌جمعی آن مدار مبارزه، مقاومت و فداکاری را عوض کرد. مردم به جای اینکه بترسند و به خانه‌هایشان بروند، به انتقام و خون‌خواهی برخاستند.^۳

۸. واقعه‌ی خونین کرمانشاه

ساعت ۴ بعدازظهر ۹ مهر ۱۳۵۷، با دعوت علمای کرمانشاه، جمعیت زیادی در اعتراض به محاصره‌ی بیت امام خمینی در مسجد آیت‌الله بروجردی و خیابان‌های اطراف جمع شدند. روحانی‌ای به نام سید موسی موسوی در این مجلس سخنرانی کرد و ضمن حمایت از امام خمینی حکومت اسلامی را خواست همه‌ی ملت اعلام کرد. پس از تمام‌شدن مراسم، جمعیت به طرف مسجد جامع راهپیمایی کردند. ناگهان، پلیس در چند دقیقه به مردم حمله و گاز اشک‌آور شلیک کرد. راهپیمایی آرام مردم به درگیری تبدیل شد و طبق ادعای رژیم در این درگیری سه نفر کشته و سی‌وسه نفر مجروح شدند.^۴

۱. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، کالبدشکافی یک واقعه (۱۷ شهریور ۵۷)، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.

۲. روح الله حسینیان، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۰.

۳. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۴. روح الله حسینیان، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۹.

۹. فاجعه‌ی مسجد جامع کرمان

از ساعت ۱۰ صبح ۲۴ مهر ۱۳۵۷، مردم کرمان به دعوت روحانیان شهر در مسجد جامع تجمع کردند تا یاد شهدای میدان ژاله‌ی تهران را پاس دارند. ساعت ۱۱/۳۰، درحالی‌که آقای صمدانی هنوز سخنرانی می‌کردند، عده‌ای به مسجد حمله کردند. در این حمله صدها نفر به شهادت رسیدند. فاجعه به حدی جنایت‌آمیز بود که موجی از قیام و تظاهرات در سرتاسر کشور به دنبال آورد. رژیم چنان به وحشت افتاد که اعلام کرد درباره‌ی موضوع تحقیق خواهد کرد. علما در سرتاسر کشور بر علیه این فاجعه موضع گرفتند.^۱

۱۰. فاجعه‌ی خونین ۳۰ مهر ۱۳۵۷ در همدان

در همدان، یکی از دانش‌آموزان دختر اول نظری دبیرستان پروین اعتصامی در یکی از تظاهرات دانش‌آموزی دستگیر می‌شود و بعد از آزادی با نوشتن وصیت‌نامه‌ای خودکشی می‌کند. وی در مصیبت‌نامه علت خودکشی را تجاوز نیروهای رژیم در بازداشتگاه اعلام می‌کند. انتشار این خبر در همدان موجی از عصبانیت برانگیخت. همان روز، در مساجد اعلام شد که فردا صبح مردم تظاهرات کنند. در ۳۰ مهر، جمعیت به قدری زیاد شد که نیروهای رژیم وحشت‌زده در خیابان شاهپور مردم را به گلوله بستند.^۲

حضور علما در مسجد به مثابه‌ی پایگاه انقلاب اسلامی

امام خمینی نه تنها جلسه‌های درسی، عبادت و نماز جماعت را در مسجد برگزار می‌کرد، بلکه مسجد را بهترین مکان برای شروع نهضت می‌دانست. او در مسجد اعظم قم، در روز دوم ذیحجه ۱۳۸۳.ق (۱۳۴۲)، اندکی پس از آزادی در جمع هزاران نفر از علما و فضلاء قم و سایر اقشار، به آنچه پس از بازداشت ایشان رخ داد و شاه و دستگاه تبلیغاتی در ایران و خارج شایع کردند انتقاد کردند. با پیروی از افشاگری امام خمینی، در سراسر کشور خطبا و گویندگان متعهد، در اجتماعات مساجد، به افشاگری و مخالفت صریح با نظام ستم‌شاهی پرداختند. بعد از تبعید، امام در نجف اشرف و علما و خطبا و طلاب

۱. همان، ص ۴۴۱.

۲. همان، ص ۴۴۴.

در شهرها و روستاها با سخنرانی‌های کوبنده این حرکت مقدس را تداوم بخشیدند.^۱ برای مثال، شهید آیت‌الله مفتاح هم فعالیت‌های علمی و آموزشی داشتند و هم، با دعوت اهالی مسجد الجواد، سخنرانی و جلسات تفسیر داشتند و برای نسل جوان روشنگری می‌کردند. از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ برنامه‌های تبلیغی مسجد الجواد زیر نظر شهید مطهری بود.^۲

در سال ۱۳۵۲، آیت‌الله مفتاح برای ایجاد تشکل بین نیروهای مؤمن و مبارز و گشودن سنگری برای ارائه‌ی اسلام راستین امامت مسجد جاوید را پذیرفت. در بیشتر مواقع از سخنرانان مبارز و متعهد، که در راه نهضت اسلامی گام برمی‌داشتند، دعوت می‌شد جوانان و دانشجویان را متوجه حقایق ناب کنند. به دلیل استقبال اقشار تحصیل کرده از برنامه‌ها و سخنرانی‌های شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مطهری، برنامه‌های آن بیش از هجده ماه ادامه نیافت و در ۳ آذر ۱۳۵۳، پس از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای، ساواک به آن هجوم برد، مسجد جاوید را تعطیل و مفتاح را زندانی کرد. در سال ۱۳۵۵، مفتاح امامت مسجدی را در حوالی حسینیه‌ی ارشاد پذیرفت که به مسجد قبا معروف شد.^۳ مفتاح در این مسجد کلاس‌های عقیدتی و سخنرانی‌های روشنگرانه‌ای در سطح وسیع برگزار کرد.^۴

مسجد جلیلی، واقع در خیابان ایرانشهر، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه علیه حکومت پهلوی بود. در این مسجد از بازاریان تا روحانیان و دانشگاهیان شرکت داشتند. شخصیت تأثیرگذار این مسجد آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی بود. شهید باهنر نیز گاه در این مکان فعالیت و سخنرانی داشتند. در مسجد جلیلی، ایشان درباره‌ی ناهنجارهای سیاسی در جامعه‌ی اسلامی صحبت می‌کردند و سلطه‌ی خارجی را از موانع رشد و ترقی می‌دانستند. باهنر به دلیل شرکت در بحث‌های هر شب که در مسجد تشکیل می‌شد تحت کنترل ساواک قرار گرفت. باهنر در مسجد هدایت نیز از رژیم پهلوی انتقاد کرد و حکومت شاهنشاهی را زیر سؤال برد. باهنر به دلیل فعالیت در این مسجد و مسجد الجواد ممنوع‌المنبر شد.^۵

۲. غلامرضا گلی زواره، پیشین، ص ۶۵.

۳. همان، ص ۶۷.

۳. همان، ص ۶۷.

۴. همان، ص ۶۷.

۵. مرتضی نعمتی زرگران، شهید دکتر محمد جواد باهنر، مواضع و دیدگاه‌ها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۸۹ و ۹۲.

کوتاه آنکه محور همه‌ی مسائل مسجد بود. در واقع، در تاریخ معاصر جهان، انقلاب اسلامی پدیده‌ای بی‌همتاست؛ زیرا گروه اجتماعی جدید و مجهز به احزاب سیاسی و ایدئولوژی غیردینی آن را به قدرت نرساند؛ بلکه روحانیان سنتی مجهز به منبر در تظاهرات بر عملکرد همه‌ی مقامات غیرروحانی آن را به قدرت رساندند.^۱ موفقیت آیت الله خمینی (رحمة الله علیه) در بسیج حقوق‌بگیران شهری چند علت داشت:

۱. وعده‌های او برای ایجاد عدالت اجتماعی با ناتوانی رژیم در برآوردن انتظاراتی روزافزون مردم کاملاً مغایر بود.
۲. با وجود اینکه رژیم به علمای عالی‌رتبه بدگمان بود؛ ولی جلوی فعالیت روحانیان رده‌پایین در بین فقرا و شهری، سازماندهی عزاداری‌ها و تشییع جنازه‌ها و برپایی نماز جماعت را نمی‌گرفت.
۳. مذهب احساس همبستگی گروهی و اجتماعی جمعیت مناطق فقیرنشین و حلی آبادها را فراهم می‌کرد. مردم‌شناسی آمریکایی، در اوایل سال ۱۳۵۰، ضمن مقایسه‌ی روستایی همبسته و منسجم با محله‌ای فقیرنشین یا حلی آباد می‌نویسد: در زمانی که روستاییان مذهب را جدی نگرفتند و حتی وعظ مهمان را دست می‌انداختند، ساکنان محله‌های شهری، که همگی دهقانان تازه بی‌زمین شده بودند، مذهب را جانشین جوامع از دست‌رفته‌شان کردند، زندگی اجتماعی خود را با مساجد مربوط ساختند و با اشتیاق به سخنان روحانیان محلی گوش دادند.^۲

استمپل در کتاب خود با نام «درون انقلاب ایران» می‌گوید:

اگر سازمان‌های گسترده‌ی انقلاب مخفی تشکیل نمی‌گردیدند، با وجود همه‌ی مشکلات، انقلاب اتفاق نمی‌افتاد و یا می‌توانست به مسیری کشانده شود که اساساً متفاوت باشد. البته وجود شبکه‌ی مسجد به روحانیون افراطی امکان داد تا بر اوضاع تسلط یابند و سپس تحول نهضت را کنترل کنند. برای خمینی (رحمة الله علیه) آسان بود که با بسیج یک گروه فعال و مؤثر به رهبر پیامبرگونه‌ی متعصبین مذهبی تبدیل شود. در دوران حکومت شاه در ایران، روحانیون از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۷ (۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶) یک نیروی حاشیه‌ای بودند که به‌طور فزاینده‌ای منزوی

۱. پروانده آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷، ص ۶۵۳ و ۶۵۴.

۲. همان، ص ۶۵۹.

می‌شدند؛ بنابراین جای تعجب نیست که بنیادگرایان نظام سیاسی سلطنتی را روکرده و سیاست‌های افراطی سند دولتی را در پیش گیرند.^۱

اتحاد بین مساجد و بازارهای شهر در طی آن سال‌ها باعث شد تا موازنه‌ی قدرت بین اسلام و ملی‌گرایان به نفع نیروهای مذهبی تغییر جهت پیدا کند. یکی از جنبه‌های مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائم و فزاینده‌ی سازمان‌های شیعی مذهب بود. در کشور ۳۵ میلیونی ایران، تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی وجود داشت. سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام‌های اعتراضی یا گذاشتن قرار مجالس و راهپیمایی‌ها شبکه‌ی مساجد بود.

نوارها از قم به شهرهای دیگر ارسال می‌شد، تجار بازار آن‌ها را تکثیر می‌کردند و به اشخاص باایمان می‌فروختند. در آغاز سال ۱۳۵۵، شبکه‌ی مسجد واسطه‌ها را حذف کرد و نوارها و جزوه‌های اصول انقلابی را خود ارسال کرد. عجیب است که دولت هیچ کوششی برای دخالت در شبکه‌ی مساجد نکرد و آن را تحمل کرد. نیکی آر. کدی در کتاب خود با نام «ریشه‌های انقلاب ایران» می‌گوید: متون مذهبی و هدایایی که برای اهداف مذهبی، آموزشی، خیریه و سیاسی به علما داده می‌شد همه از طرف بازاری‌ها بود. آن‌ها دلیل عمده‌ی نفوذ علما و عامل تقویت پیوندهای سیاسی مسجد و بازار بودند.^۲ پارسونز در کتاب خود با نام «غرور و سقوط» می‌گوید:

آیت‌الله خمینی ساختار سیاسی - اقتصادی سلاطین پهلوی را در هم کوبید و ارزش‌های قبلی را به جامعه‌ی ایرانی باز گردانید. او دو ستون اصلی را که جامعه‌ی ایرانی طی قرن‌های گذشته بر روی آن تکیه داشت از نو استوار ساخت. این دو ستون روحانیت شیعه و تجار بازار هستند.^۳

خلاصه‌ی سخن

مسجد از قدیم کانون فکری، اجتماعی و عبادی مسلمانان بوده است و توجه به آن باعث شد شاهد تحولشان در دوران انقلاب اسلامی باشیم. به جرئت می‌توان گفت، اولین و مهم‌ترین ستون و پشتوانه‌ی مردم در دوران انقلاب مساجد بوده‌اند. از آنجاکه انسان‌های مقید به ارزش‌ها و عقاید دینی این کانون را

۱. جان دی. استمیل، درون انقلاب ایران، ترجمه‌ی منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، ص ۴۲۷.

۲. نیکی آر، کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه‌ی دکتر عبد الرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۹.

۳. همان، ص ۲۲۲.

در رأس همه‌ی سنگرها انتخاب کردند، بسیاری از نشست‌ها و تجمع‌های مسلمانان در این کانون شکل گرفت و نتایج مطلوبی نیز به همراه داشت. به‌طور کلی می‌توان گفت انقلاب بود و مسجد. این نقش به قدری پررنگ بود که هنری پرچ، نویسنده‌ای خارجی، در گزارش خود می‌نویسد: «رهبری و سازماندهی انقلاب در دست آیت‌الله خمینی و به‌طور کلی روحانیون قرار داشت. آن‌ها از رهگذر شبکه‌ی گسترده‌ی مساجد فعالیت‌های انقلابیون را سازمان می‌دادند».^۱

بخش دوم

انقلاب اسلامی ایران به مثابه‌ی الگو برای سایر نهضت‌ها

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم و نوید شروع دوره‌ی جدیدی از ظهور اسلام با رویکردی سیاسی بود. پیروزی انقلاب اسلامی در این دوره، سایر حرکت‌های اسلامی را در جهان اسلام به تکاپو واداشت. لازم به ذکر است که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همه‌ی جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبود؛ بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی متفاوت بود.

به‌طور کلی، انقلاب اسلامی ایران تأثیرات گسترده‌ای در ورای مرزهای خود گذاشت و به‌لحاظ هواخواهانی که جلب کرده، به‌عنوان نیرویی بزرگ در منطقه به‌شمار می‌رود.^۲ حرکت‌های اسلامی در مصر، الجزایر (پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات)، سودان، تونس، مراکش، لبنان، انتفاضه‌ی فلسطین و بوسنی (در قلب اروپا) از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفته است. این فعالیت‌ها چنان ترسی در دل قدرت‌های بزرگ انداخته است که راهی جز مقابله با اصل انقلاب نیافته‌اند. در عمل، انقلاب اسلامی منافع کسانی را به خطر انداخت که سود خود را در غفلت و گسست جامعه‌ی اسلامی و همچنین ساده‌انگاری و ظاهرپردازی محرومان و مستضعفان عالم می‌دیدند. انقلاب اسلامی ماهیتی غرب‌ستیز داشت و از همان ابتدا خود را نیرویی مقابل «کفر» تعریف کرد.^۳

۱. گری سیک، همه چیز فرو می‌ریزد، ترجمه‌ی علی بختیارزاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

۲. بازخوانی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری مسلمانان (مجموعه مقالات)، به اهتمام سید مهدی طاهری، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، ۱۳۸۸ (مدخل: دمیدن صبح دولت اسلام، سید مهدی طاهری)، ص ۳۰۷.

۳. منوچهر محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۸۷.

انقلاب در نگاه سیاستمداران

تحلیلگران و سیاستمداران هر کدام با توجه به میزان درک و دریافت خود از انقلاب اسلامی نظرهایی داده‌اند. بعضی وقوع این انقلاب را به زلزله‌ای در منطقه تشبیه کرده‌اند و بعضی دیگر، ضمن احساس نگرانی از روند تجدید حیات اسلام در خاورمیانه، انقلاب اسلامی را پدیده‌ی بی‌نظیر قرن خوانده‌اند. کسینجر، تئوریسین و سیاستمدار معروف آمریکایی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌گوید: «خاورمیانه با چهار خطر روبه‌رو شد، اول رادیکالیزم شیعه، دوم بنیادگرایی اسلامی، سوم انقلاب اسلامی و چهارم شوروی». او معتقد است خطر مستقیم انقلاب اسلامی ایران خطر درازمدت اتحاد جماهیر شوروی را تحت‌الشعاع قرار داده است.

جیمز بیل، استاد دانشگاه و کارشناس آمریکایی، می‌گوید: «به‌رحال این انقلاب نهضتی بود که توسط توده‌ها به حرکت در آمد، آن‌ها در برابر یکی از قدرتمندترین قدرت‌های نظامی و امنیتی در سراسر جهان سوم و در مقابل اراده‌ی رژیم‌ی که توسط ابرقدرت‌های خارجی حمایت می‌شد به پیروزی دست یافتند».^۱

شیمون پرز، نخست‌وزیر اسبق و رئیس‌جمهور فعلی رژیم صهیونیستی، انقلاب اسلامی را تجربه‌ای تلخ می‌نامد.^۲ بعضی از اندیشمندان غرب، همچون میشل فوکو، جامعیت و اصالت انقلاب اسلامی را ستوده‌اند. با وجود نگاه خصمانه و بدبینانه به محصول انقلاب جمهوری اسلامی، آن‌ها شکی ندارند که شاخصه‌های انقلابی اصیل در انقلاب ایران هویداست؛ اما آن‌ها به اشتباه با همان تئوری‌های کلیشه‌ای خود درباره‌ی علل وقوع انقلاب‌ها تحلیل ارائه کرده‌اند و با تأسی به انقلاب چین، فرانسه و روسیه در حوزه‌ی اقتصاد به دنبال چرایی آن می‌گردند.^۳

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در ابعاد مختلف

انقلاب اسلامی ایران توانست اسلام را در عصر حاضر به‌مثابه‌ی مکتبی مبارز و برپاکننده‌ی حکومت واحد جهانی مطرح سازد. این اولین و بزرگ‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی در منطقه و جهان بود.^۴ انقلاب اسلامی ایران با ایجاد کشوری اسلامی نشان داد که اسلام راهنمایی کامل برای اداره‌ی امور جمعی

۱. تاج محمد صفت گل، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر منطقه‌ی خاورمیانه، مجله‌ی علوم سیاسی، بی‌تا، پیش شماره‌ی ۱، ص ۹۸.

۲. عبدالله گنجی ارجنکی، موج سوم بیداری اسلامی، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲.

۳. همان، ص ۹۹.

۴. همان، ص ۱۰۱.

امت است. در واقع، این انقلاب نشان داد که پیام اسلام می‌تواند به‌طور یکپارچه برای بازسازی جامعه، در همه‌ی ابعاد ضروری آن، به‌کار گرفته شود.^۱ بیداری اسلامی و احیای اسلام سیاسی در میان جوامع اسلامی بود. با تأثیر از این بیداری، حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان جان تازه‌ای گرفتند و شدت و گسترش آن‌ها آنقدر فزونی یافت که خطر کمونیسم را برای غرب و آمریکا تحت‌الشعاع قرار داد.^۲ چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرماید:

گسترش موج بیداری اسلامی در دنیای امروز حقیقتی است که فردای نیکی را به امت اسلامی نوید می‌دهد. تبلیغات وسیع دشمن در جهت اسلام‌هراسی تلاش شتاب‌زده‌ای که برای ایجاد اختلاف میان فرقه‌های اسلامی و برانگیختن تعصب‌های فرقه‌ای می‌کند، دشمن تراشی‌های کاذب از شیعه برای سنی و از سنی برای شیعه، تفرقه‌افکنی میان دولت‌های مسلمان و کوشش برای تشدید اختلافات و تبدیل آن به دشمنی‌ها و معارضه‌های لاینحل، استفاده از سازمان اطلاعاتی و جاسوسی برای تزریق فساد و فحشا میان جوانان، همه‌وهمه واکنش‌های سرآسیمه‌گون و آشفته در برابر حرکت متین و گام‌های استوار امت اسلامی به‌سوی بیداری و عزت و آزادگی است.^۳

نتایجی که باید از تعامل انقلاب اسلامی با بیداری اسلامی دریافت متعدد است؛ از جمله:

۱. بیداری اسلامی اگرچه قدمتی طولانی یا دست‌کم صد ساله دارد؛ ولی انقلاب اسلامی در گسترش و تعمیق آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.
۲. اثرگذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی از جهات مختلف تأیید می‌شود؛ برای مثال رشد تحولات اسلامی در دهه‌های اخیر و تأثیر انقلاب ایران بر جنبش‌های بیدارگری اسلامی هویدا است. چنان‌که امام می‌فرماید:

نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند و می‌رود توی ملت‌ها؛ ملت‌هایی که ببیند که ملت ایران در مقابل یک قدرت بزرگ ایستاده و ایستادگی کرده و پیش برده، سایر ملت‌ها هم گرفتارند، آن‌ها هم همین گرفتارهایی که ما داریم، آن‌ها دارند. مصر به دست سادات و جاهای دیگر هم به دست دیگران. همه‌ی ملت‌ها مبتلای به دولت‌هایشان هستند، آن‌ها هم

۱. کلیم صدیقی، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه‌ی سید هادی خسرو شاهی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۶۹.

۲. منوچهر محمدی، پیشین، ص ۹۵.

۳. پیام ولی امر مسلمین به حجاج بیت الله الحرام ۱۳۸۶/۸/۲۴.

می‌خواهند از زیر این بار بیرون بیایند. وقتی دیدند که ایران قیام کرد و پیش برد، ولو کشته داد، اما پیش برد، دیگران هم همین فکر در مغزشان پیدا می‌شود، ملت‌های دیگر هم همین معنا را می‌خواهند، آن‌ها هم همین کار خواهند کرد.^۱

انقلاب اسلامی بارها اعلام کرده است که هیچ تلاشی برای صدور انقلاب به معنای بهره‌گرفتن از جنگ نمی‌کند؛ بلکه براین باور است که پیام‌های انقلاب اسلامی، به جهت ارتباط با فطرت انسانی و وحی الهی، نیازی به صدور از طریق جنگ ندارد.^۲ چنان که امام می‌فرماید:

مسئله‌ی دیگر صدور انقلاب است که بارها گفته‌ام، ما با کسی جنگی نداریم. امروز انقلاب ما صادر شده است. در همه جا اسم اسلام است و مستضعفین به اسلام چشم دوخته‌اند. باید با تبلیغات صحیح اسلام را آن گونه که هست به دنیا معرفی نماییم.^۳

همچنین، مقام معظم رهبری می‌فرماید:

ما انقلاب را امروز نمی‌خواهیم صادر کنیم، انقلاب یک بار صادر می‌شود و شد! اینکه می‌بینید امروز در سرتاسر دنیا گرایش و ایمان اسلامی زنده است، اینکه می‌بینید ملت‌ها در شمال آفریقا و در خاورمیانه و در شرق و در غرب کشورهای اسلامی بیدار شده‌اند... همه حاکی از این است که انقلاب اسلامی در اول وقوع خود صادر شده است. یک بار انقلاب صادر می‌شود و آن هم شد.^۴

انقلاب اسلامی علاوه بر کمک به بیداری اسلامی و احیای ارزش‌های اخلاقی و معنوی، درس همراهی دین و سیاست را نیز به دنیا آموخت. سنگ بنای اندیشه‌ی امام خمینی رابطه‌ی دین و سیاست بود. امام خمینی با تعریفی که از سیاست و دین ارائه کردند، به شدت از ارتباط آن‌ها حمایت کردند و آن‌ها را مقوله‌ای واحد دانستند. به گفته‌ی سید حسن مدرس دیانت ما عین سیاست ماست؛ زیرا نخست هدف هر دو هدایت و سعادت جامعه است و دوم اینکه سیاست صحیح روش تحقق حکومت عدل است. بر همین اساس، امام خمینی اعتقاد داشتند همه‌ی پیامبران الهی برای تحقق حکومت عدل مبعوث شده‌اند و چنین حکومتی عین سیاست است.^۵

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، ص ۳۳۶.

۲. مرتضی شیرودی، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیر گذاری و نمونه‌ها، مجله‌ی مریان، ۱۳۸۶، شماره‌ی ۲۶، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۳. صحیفه‌ی امام، ج ۱۵، ص ۳۲۱.

۴. خطبه‌های عید فطر، ۱۳۷۲/۱/۴.

۵. یحیی فوزی، اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، قم، نشر معارف، ۱۳۸۶، ص ۹۳ و ۹۸.

درواقع، انقلاب اسلامی ایران اعتماد به نفس تازه‌ای به توده‌های مسلمان مستضعف بخشید، معیار جدیدی برای نهضت اسلامی ارائه کرد و نشان داد انقلاب تنها راه شکست دشمنان داخلی و خارجی اسلام است.^۱ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، قدرت دولت‌ها بر پایه‌ی تعداد سلاح‌های استراتژیک و اتمی بود؛ اما انقلاب اسلامی دو عامل مهم دیگر را به عرصه‌ی بین‌المللی عرضه کرد: ایمان و ازجان‌گذشتگی.^۲

بازتاب انقلاب اسلامی ایران «دیروز و امروز»

قبل از انقلاب اسلامی، جریان‌های اسلام‌گرای بسیاری وجود داشته؛ اما انقلاب اسلامی به آن‌ها امید و تحرک بخشید و آن‌ها را به سمت سازماندهی و مبارزه سوق داد. فعال‌ترین جنبش‌های اسلامی کنونی جهان اسلام بعد از انقلاب اسلامی شکل گرفت. انقلاب اسلامی باعث شکل‌گیری و رشد جنبش‌های اسلامی زیادی شد؛ نظیر النهضه در تونس، جبهه‌ی نجات اسلامی الجزایر، نهضت اسلامی تاجیکستان و گروه‌های متعدد جهادی در افغانستان، از جمله حزب وحدت اسلامی و حرکت انقلاب اسلامی افغانستان. در عراق مجلس اعلای انقلاب اسلامی تشکیل و حزب الدعوه عراق وارد فاز مسلحانه شد. در لبنان حزب الله و در فلسطین نیز حماس و جهاد اسلامی و چند گروه کوچک دیگر تأسیس شد.^۳

شهید فتحی شقاقی معتقد است: «جهاد اسلامی فلسطین همزمان با قیام و پیروزی انقلاب اسلامی با الهام از اندیشه‌های امام فقید امت در سال ۱۹۸۰ تأسیس شد و به دنبال جهاد مسلحانه علیه رژیم صهیونیستی است».^۴

شهید دکتر الرنتیسی، که در سال ۱۹۸۷ به همراه شیخ احمد یاسین حماس را بنیان نهاد، می‌گوید: «به نظر ما انقلاب اسلامی ایران در کشورهای عربی و اسلامی تأثیر مثبتی داشته و مردم این کشورها را بیدار کرده است. به اعتقاد من این بیداری موجب نوعی خیزش شد که به علت تأثیر از انقلاب اسلامی بود».^۵

همچنین، صفت گل در این زمینه می‌نویسد:

۱. کلیم صدیقی، پیشین، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۱۰۴.

۴. جمیله کدیور، انتفاضه حماسه‌ی مقاومت فلسطین، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸.

۵. همان، ص ۲۰۵.

انتفاضه در دسامبر ۱۹۸۷ هنگامی که حرارت آتش نهضت فلسطینیان کمتر شده بود و آمریکا و اسرائیل می‌رفتند که این نهضت را به سازش بکشانند و بسیاری از رهبران نهضت فلسطین و سران عرب نیز با آنان در این راه همگام بودند، تحت تأثیر عوامل چندی پدید آمد که مهم‌ترین آن تحولات انقلاب اسلامی ایران بود... انقلابیون ایران آتش مبارزه با اسرائیل و آمریکا را در خاورمیانه شعله‌ورتر کردند و این مسئله به بیداری وجدان فلسطینیان کمک کرد. مقاومت اسلامی لبنان نیز که در سال ۱۹۸۲ تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران پدید آمده بود یکی دیگر از عوامل منطقه‌ای بود که در پیدایش انتفاضه مؤثر واقع شد.^۱

دکتر فتحی شقاقی، رهبر شهید جهاد اسلامی فلسطین، درباره‌ی الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران می‌گوید:

تأثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام فقید در فلسطین قوی‌تر از هر مکان دیگر بود؛ زیرا مسلمانان فلسطین تحت اشغال و حشیانه‌ی صهیونیست‌ها ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی ملل مسلمان بودند. امام آمد تا به آن‌ها امید بدهد و تأکید کند که دگربار امت می‌تواند با الهام‌گیری به پاخیزد. اسلام می‌تواند پیروز شود و حکومت خود را برقرار سازد.^۲

زیاد ابو عمرو، استاد دانشگاه اسلامی غزه، نیز در خصوص تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در دانشگاه‌های فلسطینی می‌نویسد:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در سال‌های ۱۹۸۰، بزرگان و فعالان گرایش‌های دینی در این دانشگاه‌ها حضور می‌یافتند و جوانان را به شرکت و اهتمام در مسائل سیاسی دعوت می‌کردند. چنین دعوت‌هایی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به‌وضوح دیده نمی‌شود.^۳

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحول بزرگ آن در منطقه موشه دایان، وزیر دفاع وقت رژیم صهیونیستی، اعلام کرد انقلاب اسلامی ایران زلزله‌ای بود که منطقه‌ی خاورمیانه را سخت تکان داد و اسرائیل را با خطری جدی روبه‌رو کرد. شکی نیست که تغییر چهره‌ها در ایران اسرائیل را وحشت‌زده نکرد؛ بلکه تغییر فکر مهم‌ترین نگرانی اسرائیل بود.^۴ مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

۱. تاج محمد صفت گل، پیشین، ص ۱۰۳.

۲. زیاد ابو عمرو، جنبش‌های اسلامی در فلسطین، ترجمه‌ی هادی صبا، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۱، مقدمه‌ی دکتر فتحی شقاقی.

۳. زیاد ابو عمرو، جنبش‌های اسلامی در کرانه‌ی باختری و نوار غزه، ترجمه‌ی حسن خامه‌یار، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۴۱.

۴. آثار پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر تحولات خاورمیانه، ۳۰ خرداد ۱۳۹۰، (<http://noorportal.Net>).

آن روزی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، رژیم صهیونیستی از نظر دولت‌های مسلمان و ملت‌های مسلمان، به‌خصوص ملت‌های عرب، یک رژیم شکست‌ناپذیر به حساب می‌آمد. این موجب شد که رژیم صهیونیستی عجالتاً شعار از نیل تا فرات را کنار بگذارد و به دست فراموشی بسپرد. ملت‌های مسلمان - از آفریقا تا شرق آسیا - به فکر ایجاد نظام اسلامی و حکومت اسلامی افتادند با فرمول‌های گوناگون؛ نه لزوماً با همان فرمول نظام جمهوری اسلامی ما؛ اما به فکر حاکمیت اسلام بر کشورشان افتادند. بعضی کشورها موفق نشدند، بعضی هم آینده‌ی نویدبخشی در انتظارشان هست از حرکت‌های اسلامی.^۱

مهم‌ترین علت نگرانی اسرائیل این بود که انقلاب اسلامی ایران حرکتی مردمی بود و می‌توانست الگوی جدید سیاسی جوامع همگون اسلامی منطقه باشد. اسرائیل و آمریکا در اولین واکنش برای محدود کردن تأثیر انقلاب اسلامی کوشیدند، با کمک برخی کشورهای عربی، الگویی از اسلام سلفی سنی ارائه کنند تا ارتباط انقلاب را با محیط طبیعی اسلامی خود محدود کنند. این تجربه در اولین کارکرد خود اختلاف‌های مذهبی شیعیان و سنی‌ها را فعال کرد؛ ولی انقلاب اسلامی ایران با حمایت گسترده از آرمان فلسطین و جامعه‌ی سنی فلسطینیان این توطئه را خنثی و این شکاف را پر کرد.^۲

بیداری اسلامی

همگام با آغاز موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه، که از تونس آغاز شد و همچنان زنجیروار در سایر کشورهای اسلامی ادامه دارد، مردم بحرین نیز برای رهایی از دیکتاتور دست‌نشانده به جرگه‌ی این قیام‌ها پیوستند.^۳ مقام معظم رهبری با فراست و زیرکی این حوادث را بیداری اسلامی خواندند و رابطه‌ی این انقلاب با انقلاب ایران اسلامی را تشریح کردند.

و اما مسائل منطقه، حوادثی که اخیراً در منطقه اتفاق افتاده است - حوادث مصر، تونس، لیبی، بحرین - حوادث بسیار مهمی است. یک تحول بنیانی دارد در این منطقه‌ی اسلامی و عربی انجام می‌گیرد؛ این نشانه‌ی بیداری امت اسلام است. همین چیزی که ده‌ها سال است شعار آن در جمهوری اسلامی داده می‌شود، امروز در متن زندگی این کشورها دارد خود را

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) ۱۳۸۲ / ۳ / ۴.

۲. آثار پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر تحولات خاورمیانه، پیشین.

۳. روزنامه‌ی کیهان، شماره‌ی ۱۹۹۵۶، اول تیر ۱۳۹۰، ص ۱۲.

نشان می‌دهد. دو خصوصیت در این تحولات وجود دارد: یکی عبارت است از حضور مردم و دیگری عبارت است از سمت و سوی دینی در این حرکت‌ها. این دو عنصر اساسی است. حضور مردم با جسم خودشان؛ همان اتفاقی که در انقلاب اسلامی افتاد. احزاب، پشت‌میزنشین‌ها، برج‌عاج‌نشین‌ها و تحلیلگرهای ذهنی هیچ کاری نتوانستند انجام دهند. هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که توانست مردم را وارد صحنه کند. وقتی مردم به عرصه آمدند، جسم خودشان را، دل خودشان را، نیت و همت خودشان را وارد عرصه کردند. گره‌های کور باز شد، راه‌های بن‌بست گشوده شد. امروز همین اتفاق دارد در کشورهای دیگر می‌افتد؛ لذا مردم هم آمدند توی صحنه. این خصوصیت این قضیه است. چرا آمدند؟ آن چیزی که آن‌ها را کشاند، به‌صورت واضحی مسئله‌ی عزت و کرامت انسانی آن‌ها بود. در مصر، در تونس و همچنین در کشورهای دیگر، غرور مردم به دست این حاکمان ظالم جریحه‌دار شده بود... ما بین غزه و فلسطین و تونس و لیبی و مصر و بحرین و یمن تفاوتی نمی‌گذاریم. در همه جا ظلم به ملت‌ها محکوم است. حرکت ملت‌ها با شعار اسلام و در جهت آزادی مورد تأیید ماست.

آنچه که من به‌طور قاطع عرض می‌کنم این است که به توفیق پروردگار یک حرکت جدیدی در این منطقه آغاز شده است. این حرکت، حرکت ملت‌هاست؛ حرکت امت اسلامی است؛ حرکت با شعار اسلام است؛ حرکت به‌سمت اهداف اسلامی است؛ نشان‌دهنده‌ی بیداری عمومی ملت‌هاست و طبق وعده‌ی الهی، این حرکت قطعاً و یقیناً به پیروزی خواهد رسید.^۱

نقش انقلاب اسلامی در تحولات منطقه و الگوگیری معترضان این کشورها از انقلاب ایران باعث شد تا غربی‌ها به‌طور جدی تحولات منطقه را رصد کنند و دولتمردان آمریکایی با وسواس زیاد و صرف هزینه برای حفظ منافع و حامیان خود در صحنه حاضر شوند. لذا تلاش برای مهار کشورهای چون بحرین در مقایسه با سایر کشورها در اولویت قرار گرفت؛ زیرا بیشتر جمعیت آن به لحاظ فکری به اندیشه‌های انقلاب اسلامی نزدیک است. بنابراین، رسانه‌های غربی و عربی اخبار و رویدادهای

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی، در آغاز سال ۹۰.

کشوری چون بحرین را سانسور کردند؛ زیرا ادامه‌ی تحولات آن می‌تواند به انقلابی از جنس انقلاب اسلامی یا نزدیک به آن منجر شود.^۱

خلاصه‌ی سخن

جهان اسلام طی قرون گذشته شاهد ظهور جریان‌های مختلف فکری و سیاسی بوده است که عمدتاً در پاسخ به اوضاع بحرانی جهان اسلام شکل گرفته‌اند. پس از گسترش نفوذ غرب بر جوامع اسلامی، نوعی آگاهی میان مسلمانان شکل گرفت برای کسب استقلال. در این راستا، انقلاب اسلامی ایران در تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی دنیای معاصر الگویی بود که تغییرهای زیادی به همراه آورد. این انقلاب در اوضاعی به وقوع پیوست که کمتر کسی آن را اوضاع انقلابی تصور می‌کرد.^۲

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به تدریج ایده‌ی اسلام سیاسی، به دلیل داشتن افکار آرمان‌گرایانه و طرح ارزش‌های جدید در عرصه‌ی بین‌الملل، در تقابل با غرب و شرق قرار گرفت و منافع بیشتر کشورها را به خطر انداخت.^۳ انقلاب اسلامی ضمن تلاش برای ایفای نقش انقلابی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل، از رهگذر زیرسؤال بردن مشروعیت هنجارها و قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل، رویکردی تعاملی برگزید و با تأکید بر برون‌گرایی توسعه‌محور (نه انزواطلبی ایدئولوژیک و نه عمل‌گرایی محض) رهیافتی گشاینده انتخاب کرد. این رویکرد که بر عالمگیر شدن دین در عرصه‌ی گیتی و تلاش برای جهانی شدن اسلام یا ادیان توحیدی استوار بود، حامل پیام صلح‌طلبی نیز بود؛ زیرا ادیان با یکدیگر نمی‌جنگند، بلکه با یکدیگر گفت‌وگو و هم‌اندیشی می‌کنند.^۴

بررسی تأثیرگذاری این انقلاب در سطح جهان اسلام حاکی از آن است که با وجود مخالفت بسیاری از دولت‌های اقتدارگرای اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با سعی و تلاش فراوان توانست مسلمانان جهان را در مسیر بازیابی هویت اسلامی قرار دهد. بررسی‌های موجود در این زمینه بیانگر آن است که انقلاب اسلامی ایران تأثیرهای متفاوتی در سطح جهان اسلام داشت؛ تعدادی از این تأثیرها عبارتند از: بازتاب ملموس و چشمگیر، تقویت و شتاب‌بخشیدن به جریان‌های سیاسی اسلامی،

۱. روزنامه‌ی کیهان، شماره‌ی ۱۹۹۵۶، اول تیر ۱۳۹۰، ص ۱۲.

۲. بازخوانی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری مسلمانان (مجموعه مقالات)، پیشین، ص ۳۳۵.

۳. همان، ص ۳۳۵.

۴. محمد رضا دهشیری، پیشین، ص ۱۵۹.

برانگیختن ایدئولوژی و تفکر سیاسی اسلامی و فراهم آمدن بهانه برای برخی از حکومت‌ها در سرکوب جنبش‌های اسلامی مخالف.^۱

منابع

۱. آبراهامیان، یراوند، ایران بین دو انقلاب، احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.
۲. ابو عمرو، زیاد، جنبش‌های اسلامی در فلسطین، ترجمه‌ی هادی صبا، تهران، نشر سفیر، ۱۳۷۱.
۳. ابو عمرو، زیاد، جنبش‌های اسلامی در کرانه‌ی باختری و نوار غزه، ترجمه‌ی حسن خامه یار، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۴. احمدپور، محمدتقی، آغاز بیداری (ویژه نامه قیام ۱۵ خرداد) قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۲.
۵. استمپل، جان. دی، درون انقلاب ایران، منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۶. امیری، کیومرث و معصومه خالقی، چکیده‌ی نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های جهان درباره‌ی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) و انقلاب اسلامی، بی‌جا، مرکز باز شناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۸.
۷. بازخوانی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری مسلمانان (مجموعه مقالات)، به اهتمام سید مهدی طاهری، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، ۱۳۸۸.
۸. بیانات در بیستین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۸۲ / ۳ / ۴.
۹. بیانات در حرم مطهر رضوی، در آغاز سال ۹۰.
۱۰. پیام ولی امر مسلمین به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۸۶ / ۸ / ۲۴.
۱۱. پارسونز، سرآنتونی، غرور و سقوط، دکتر منوچهر راستین، بی‌جا، انتشارات هفته، ۱۳۶۳.
۱۲. تاریخ سیاسی معاصر ایران، بی‌جا، زمزمه هدایت، ۱۳۸۳.
۱۳. حسن زاده، رسول آذرخشی بر تاریکی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۴. حسینیان، روح الله، یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۵. خطبه‌های عید فطر، ۱۳۷۲ / ۱ / ۴.
۱۶. درس‌هایی از تاریخ سیاسی ایران (استاد شهید سیدحسن آیت)، بی‌جا، انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۷. دهشیری، محمدرضا، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.

۱. همان، ص ۳۳۶.

۱۸. زهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد، تهران، معارف، ۱۳۷۹.
۱۹. زیبا کلام، صادق، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، بی‌جا، انتشارات روزنه، ۱۳۷۲.
۲۰. سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۲۱. سیک، گری، همه چیز فرو می‌ریزد، علی بختیار زاده، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۲. شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۲۳. صحیفه‌ی امام، ج ۷.
۲۴. صحیفه‌ی امام، ج ۸.
۲۵. صحیفه‌ی امام، ج ۱۱.
۲۶. صحیفه‌ی امام، ج ۱۵.
۲۷. صحیفه‌ی امام، ج ۱۶.
۲۸. صدیقی، کلیم، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، طوبی، ۱۳۷۶.
۳۰. فوران، جان، مقاومت شکننده، احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۳۱. فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم، نشر معارف، ۱۳۸۶.
۳۲. کدی، نیکی آر، ریشه‌های انقلاب ایران، دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۹.
۳۳. کدیور، جمیله، انتفاضه: حماسه مقاومت فلسطین، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
۳۴. گلی زواره، غلامرضا، باران بیداری (تأملی در جنبه‌های معنوی، فکری، تاریخی و سیاسی انقلاب اسلامی)، قم، انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۷.
۳۵. گنجی ارجنکی، عبدالله، موج سوم بیداری، تهران، اندیشه سازان نور، ۱۳۸۸.
۳۶. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، فروغ مسجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۴.
۳۷. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، کالبدشکافی یک واقعه (۱۷ شهریور ۵۷)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.
۳۸. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۹. مدنی، سید جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۴۰. ملایی پور، جواد، آذرخشی انقلاب (ویژه‌نامه قیام ۱۹ دی)، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۳.
۴۱. منصوری، جواد، قیام ۱۵ خرداد ۴۲، هران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

۴۲. نعمتی زرگران، مرتضی، شهید دکتر محمد جواد باهنر، مواضع و دیدگاه‌ها، تهران، مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

۴۳. نوربخش، سیدحسین، یادواره نهضت اسلامی تا ۲۲ بهمن ۵۷، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.

مقالات

۴۴. شیروودی، مرتضی، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیرگذاری و نمونه‌ها، مجله‌ی مریان، ۱۳۸۶، شماره‌ی ۲۶، صفحات ۹۱ تا ۱۱۳.

۴۵. صفت گل، تاج محمد، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر منطقه خاورمیانه، مجله علوم سیاسی، بی‌تا، پیش‌شماره‌ی ۱، صفحات ۹۷ تا ۱۰۸.

۴۶. نوروزی، محمد جواد، نقش اسلام در تکوین و پیروزی انقلاب اسلامی، مجله‌ی معرفت، ۱۳۷۶، شماره‌ی ۲۱، صفحات ۲۸ تا ۳۴.

۴۷. آثار پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر تحولات خاورمیانه، ۳۰ خرداد ۱۳۹۰، <http://noorpotal.Net>.

۴۸. روزنامه‌ی کیهان، شماره‌ی ۱۹۹۵۶، اول تیر ۱۳۹۰.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد